



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

اقتصاد تحصیل به عنوان یکی از علوم تحصیلی

چکیده

این مقاله، به هدف ارزیابی عدم تکامل اقتصاد تحصیل، به عنوان یکی از علوم تحصیلی انجام میشود که تمرکز آن تنها بر روی افراد و فواید اجتماعی تحصیل میباشد. در حال حاضر، اقتصاد تحصیل، ظرفیت ارائه ی راه حل برای مشکلات اقتصادی که موثر، کافی و قابل اجرا در جامعه و از نظر اقتصادی عملی باشد را نشان نمیدهد. در نتیجه، اقتصاد تحصیل تنها زمانی به عنوان یک علم آموزشی در نظر گرفته میشود که بتواند راه حل هایی را ایجاد کند تا بتواند مشکلات نا کارآمدی و عدم کفایت سیستم های تحصیلی را حل کند. این مقاله به بررسی این موضوع میپردازد که آیا میتوان این کار را از طریق معرفی یک فن تعلیم در پروژه های تحصیلی انجام داد یا خیر.

کلمات کلیدی: اقتصاد آموزش، سرمایه انسانی، آموزش اجتماعی، علوم آموزشی

۱. مقدمه

با وجود این که اقتصاد آموزش و پرورش از اتحادیه ی تحقیقات اقتصادی و آموزشی سر چشمه گرفته است، این زمینه هنوز از نظر بلوغ علمی کامل نیست زیرا این علم به شدت مرتبط با روش های سنتی میباشد که مبتنی بر نظریه ی ظرفیت انسانی و تحلیل های اقتصادی تحصیل میباشد. در واقع، فواید تحصیل برای افراد و برای جامعه هنوز با استفاده از روش های معمول اقتصادی انجام میشود. به عنوان مثال، تحقیقات در این زمینه ها انجام شده است : مطالعه در مورد فواید تحصیلات برای افراد و جامعه، هزینه ی تحصیلات مطابق با سطوح خرج های دولتی، ارزیابی کیفیت سیستم های تحصیلی، ارزیابی سطوح سواد در جمعیت از افراد فارغ التحصیل تا افراد بالغ در تمرین، مطالعه در مورد دسترسی به مدارس، تحلیل بیکاری جوانان و غیره. این مطالعه ها به محققان این امکان را میدهد تا کیفیت سیستم تحصیلی یک کشور را تعیین کرده و اهمیت ارزیابی مدارس و تحصیلات بیشتر را ارزیابی کنند، به علاوه به آن ها این امکان را میدهد تا روابط علی بین تحصیلات یک کشور و توسعه ی آن را مشخص کنند. اما این مطالعه ها جامع نیستند. در واقع، چیزی که از دانش موجود امروزی مشخص است، این است که محققان در زمینه ی اقتصاد تحصیلی نتوانسته اند

به صورت راضی کننده به مشکلات شناسایی شده در تحقیقات پاسخ دهند. در واقع آن ها راه حل های مناسب، کافی و قابل قبول توسط اجتماع و قابل اجرا از نظر اقتصادی را پیدا نکرده اند. محدودیت های پیکربندی واقعی معرفت شناختی اقتصاد تحصیل را میتوان به مبانی نظری این زمینه ی مطالعه و محققان آن نسبت داد، زیرا آن ها به صورت کامل پیش زمینه هایی اقتصادی را در نظر دارند.

این مقاله ازین رو هدفش نشان دادن این حقیقت است که اقتصاد تحصیل را نمیتوان به صورت اختصاصی از طریق علوم اقتصادی یا تنها از نقطه نظر علوم تحصیلی نشان داد. تنها در صورتی میتوان این موضوع را از نظر تحصیلی بررسی کرد که موضوع مرتبط با علوم تربیتی در نظر گرفته شود و به صورت خاص مرتبط با برنامه ریزی تحصیلی باشد. در واقع، برنامه ی تربیتی باید نقشی معادل با اقتصاد داشته باشد زیرا تنها در این صورت میتوان ابعاد مختلف تحصیل، از اقتصاد گرفته تا موضوعات مالی فردی و اجتماعی را در زمینه های مختلف، از مدرسه تا کار در نظر گرفت، که در واقع در راستای مسیر کلی زندگی فرد میباشد.

۲. تحقیقات فعلی در زمینه ی اقتصاد تحصیل

از تحقیقات موجود، مشخص شده است که هدف این مطالعه در مورد اقتصاد تحصیل، ابعاد مختلف رابطه ی مرتبط به هم بین تحصیلات و اقتصاد میباشد. این تحقیقات توسط مبدا های خاص اقتصادی توصیف میشود. به عنوان مثال، مطالعه هایی در مورد فواید فردی و اجتماعی در مورد تحصیلات و ابعاد اقتصادی انجام شده است که سازمان های تحصیلی را به اقتصاد جهانی مرتبط میکند؛ از جمله تحلیل تاثیر سیستم های اقتصادی کسب دانش در افرادی که از آن استفاده میکنند، از نظر فعالیت های تحصیلی انجام شده توسط سازمان های غیر انتفاعی؛ مطالعه در مورد انتخاب های انجام شده در مورد ذخیره ی توانایی ها، دانش و سطح درک افراد و جامعه به عنوان یک کلیت، و نیاز به منابع در دسترس.

این روش که در اصل مرتبط با جوامع علمی بین المللی و سازمان های سیاسی بین المللی که در دسته ی اقتصاد تحصیلی قرار میگیرد در واقع تحت تاثیر اصول اقتصادی معمول میباشد. فراتر از همه، این اصول تحت تسلط تایید های تجربی مدل های نظری هستند که تلاش دارد تا یک ارتباط علی بین تحصیل و حقوق سطح افراد و رابطه ی بین

تحصیل و توسعه در سطح اجتماعی، ایجاد کند. در واقع، فرض اصلی که این بدنه از تحقیقات را ایجاد میکند این است که تحصیل یک سرمایه گذاری اقتصادی است زیرا موجب بهبود تولید پذیری فرد و افزایش احتمال اشتغال آن ها و جامعه به صورت یک کلیت، میشود. با در نظر داشتن این موضوع و نظریه ی ظرفیت انسانی، میتوان موضوعات مختلف بیشتری را در زمینه های ریز و درشت و سطوح مختلف، در نظر گرفت.

نخست در حوزه ی تحقیقات مرتبط با ریز پدیده های اقتصادی، اقتصاد تحصیل متمرکز بر روی فواید تحصیل برای افراد از نظر حقوق فرد در آینده میباشد. مهم ترین سوالی که به صورت مکرر در این زمینه هم از نظر نظریه پردازان و هم از نظر تجربی مطرح میشود، اشاره به اندازه گیری فواید اقتصادی از نظر حقوق و تحصیلات دارد. حتی اگر در سال های اخیر، مطالعه ها شروع به بررسی تاثیر انسان و ابعاد اجتماعی افراد داشته است. به صورت خاص تحقیقات فعلی در زمینه ی اقتصاد تحصیلی متمرکز بر روی اندازه گیری سطح تحصیل یک فرد و تاثیر آن بر روی حقوق آتی وی میباشد. این مطالعه ها کل زندگی کاری افراد را در نظر گرفته است، نه فقط تحصیلات و آموزش ها و فرصت های شغلی در دسترس آن ها و تحصیلات آن ها در محیط کاری. این تحقیقات از طریق تحلیل های تجربی داده های مرتبط با بی کاری طولانی مدت، انجام شده است و مقایسه هایی در مورد هزینه های فردی تحصیل و فواید آن برای موفقیت در بازار کار و فواید اجتماعی تحصیل، فراهم شده است.

دوما، تحقیقات مرتبط با تاثیر تاثیر بر روی اقتصاد در سطح درشت تر متمرکز بر جهان تجارت میباشد. به صورت خاص این مطالعه ها به بررسی رابطه ی بین منابع انسانی و سازمان ها و شکل گیری سرمایه های انسانی میپردازد. این مطالعه ها متمرکز بر این فرض است که سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی در یک شرکت، حالت راهبردی دارد زیرا تولید پذیری ایجاد شده در یک کارگر، بیشتر از سرمایه گذاری مورد نیاز برای فراهم کردن تمرین های مورد نیاز میباشد. این تحقیقات از روش های اقتصادی مبتنی بر اصول نظریه های کلاسیک سرمایه انسانی سر چشمه میگیرد که در مورد سطوح بالاتر از تمرین انسانی بحث میکنند که منجر به بهبود تولید و عملکرد در اقتصاد بازار میشود. ایده ی تحصیل یک کارگر به صورت ذاتی در علوم تجاری قرار دارد - که به عنوان تمرین سرمایه های انسانی، چه به صورت عمومی و چه به صورت تخصصی، تعریف میشود- که فوایدی را برای خود تجارت به ارمغان می آورد. این موضوع

به این علت است که تولید پذیری یک کارگر در یک سازمان، مطابقت با تمرین های تخصصی که دریافت میکنند بالا میباشد، چه تمریناتی که به صورت مستقیم در سازمان فراهم شده و چه دیگر تمرینات. در جهان تجارت ازین رو، به علاوه ی سرمایه گذاری در سرمایه های فیزیکی، تمرین های حرفه ای بر روی کارگران بسیار مهم بوده و به عنوان یکی از عوامل مهم در سرمایه گذاری در ظرفیت تولید شرکت، در نظر گرفته میشود. بنابراین این روش ها برای افزایش سرمایه های انسانی ، اکنون باید در برنامه های مالی شرکت ها در نظر گرفته شود. در واقع ارزش اقتصادی یک شرکت از نظر ظرفیت منابع انسانی آن شرکت برای فراهم کردن درآمد برای شرکت تعریف شده و همچنین سرمایه گذاری های فیزیکی شرکت، سرمایه و منابع مادی آن نیز در نظر گرفته میشود.

سوما، یک حوزه ی تحقیقات نیز متمرکز بر ماهیت درشت پدیده های اقتصادی نسبت به فواید تحصیل میباشد. در واقع، یک علاقه ی مشخص نسبت به این موضوع بین محققان و افراد آکادمیک وجود دارد ، همچنین سازمان های دولتی و سازمان های جهانی مانند سازمان توسعه و همکاری بین الملل، و دفتر کار بینالملل، نسبت به تاثیر آموزش و تمرین در تعیین GDP یک کشور و رشد اقتصادی اش، علاقه مند هستند. حتی در این مورد، فرض اصلی این حوزه ی فکری از نظریه کلاسیک سرمایه های انسانی سر چشمه میگردد، یعنی سطح بالایی از تحصیلات و تمرین موجب توسعه ی بیشتر اقتصادی در یک جامعه به عنوان یک کلیت میشود. ازین رو، حوزه ی مد نظر که از نظر تئوری و عملی بسیار مد بحث بوده است، تاثیر سرمایه ی انسانی بر روی رشد اقتصادی و توسعه ی کلی یک کشور میباشد و تاثیرات منفی از نظر انسجام اجتماعی و مشکلات اقتصادی به علاوه تضاد ها در کیفیت و کمیت تحصیل در هر کشور نیز در نظر گرفته میشود. به علاوه، این حوزه ی سوم این تحقیقات شامل مطالعه هایی در مورد همبستگی کیفیت سیستم های تحصیل و تمرین، سرمایه گذاری های اقتصادی در تحصیل، رشد اقتصادی و توسعه ی یک کشور میباشد. ازین رو کاملاً مشخص است که تحقیقات در حوزه ی اقتصاد تحصیلی، بر مبنای تحلیل اقتصادی انجام شده و توجه کمی نسبت به سیاست های تحصیلی و راه حل های پیشنهاد شده برای مشکلات سیستم های تحصیلی داشته و سوالات تحصیلی به صورت عمومی را پاسخ نداده اند.

حوزه های تحقیقات که در آن اقتصاد تحصیل را بتوان دسته بندی کرد، به این موضوع میپردازد که تدریس، تمین های حرفه ای و تحصیلات افراد بالغ مهم ترین سرمایه گذاری های تولیدی برای آینده ی یک فرد ، موفقیت یک شرکت در اقتصاد بازار و برای رشد و توسعه ی کل کشور، میباشد. با وجود این که این یک فرض پایه ای است، تحقیقات در اقتصاد تحصیل که تا به امروز انجام شده است، منجر به این تصمیم گیری میشود که تمام کار هایی که در این زمینه در مورد افراد، سیستم های تجاری و رشد اقتصادی و توسعه ی اجتماعی در کشور ها انجام شده است، به اندازه ی کافی نیست تا بتوان اقتصاد تحصیلی را به عنوان یک علم مستقل در میان دیگر علوم تحصیلی، در نظر گرفت. این موضوع را میتوان با در نظر داشتن عدم توانایی برای فرموله کردن راه حل های تحصیلی که مشکلات و نقد ها را رفع کند و عدم حضور تحقیقاتی که سیستم های مختلف تحصیلی را که به عنوان بهترین راه حل ها برای عملکرد تحصیلی و تولید اجرا شود، نشان داد. در واقع، چیزی که در این زمینه کم است، سهم تعلیم در اقتصاد تحصیل میباشد.

اما، تحلیل این موضوع بدون در نظر داشتن این حقیقت که در سال های اخیر نشانه ی گسترش در این زمینه فراتر از محدوده های علوم اقتصادی متداول رفته است، تکمیل نمیشود. این حرکت از طرف مطالعه های صرف اقتصادی ، با استفاده از علاقه ی ایجاد شده در فواید تحصیل بر روی افراد و جامعه، توصیف میشود ، که این مطالعه ها دیدگاهی فراتر از دیدگاه های صرف اقتصادی را در نظر میگیرد. اما با وجود این حقیقت که مطالعه های جدید از علم به نیاز برای توسعه ی ابعاد تحقیقات در افراد و دیدگاه آن ها تاثیر میگیرد، آن ها هنوز تمایل دارند تا بر روی نیاز برای کمی سازی یافته های جدید، متمرکز باشند. در همین زمان، نمیتوان این موضوع را انکار کرد که بررسی روابط علی بین سطوح بالای تحصیل، بهبود در سلامت و رفاه اجتماعی، اتخاذ رفتار خویشتن دارانه و سبک زندگی مناسب، کاهش در جرم و بهبود سطح انسجام اجتماعی، تحقیقات در زمینه ی اقتصاد تحصیلی را بیشتر به علوم تحصیلی نزدیک کرده است. اما، با وجود این که این تحقیقات دیدگاه کامل تری از انسان و اجتماع و فواید ایجاد شده از تحصیلات را ایجاد میکند، در هر صورت ما را باز به سمت فواید اقتصادی پیش میبرد و باز میگرداند، مانند کاهش هزینه های سلامتی، سیستم قضایی و رفاه عمومی. ازین رو، با وجود کاهش تاکید بر روی اقتصاد ، یافته های مطالعه ها هنوز در اصل

متمرکز بر روی نتایج اقتصادی شامل کارایی سیستم های تمرین و فواید بلند مدت و کوتاه مدت سیاست های خاص بوده و از نظر تحلیل انسان و فواید اجتماعی آن، نتایج کمتری را ارائه میکند. در هر صورت، این توسعه علمی را نمیتوان برای علوم تحصیلی به صورت مناسب در نظر گرفت، یعنی آن علمی که این تحقیقات بخشی از آن است، زیرا زمان آن فرا رسیده است تا پا را فراتر از تحلیل های مرتبط با صرف فواید تحصیلات گذاشت. اکنون ضروری است که نه تنها ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی را به علاوه ی ابعاد شناختی، ارتباطی و علمی و اجتماعی را در نظر گرفت، بلکه باید عواملی که نشان دهنده ی روش های احتمالی برای بهبود روند تغییرات در سیستم های تحصیلی را در نظر گرفت که مشخص شود آیا سیستم های تحصیلی از نظر تولید فواید برای افراد، شرکت ها و جوامع مناسب هستند یا خیر.

این عملیات توسعه و به روز رسانی معرفت شناختی برای اقتصاد تحصیلی را نمیتوان تنها با بررسی مفرد روش های شناختی جدید، متفاوت نسبت به موارد ارائه شده مشخص کرد، بلکه باید با اهداف جدید تحقیق تکمیل کرد، یعنی ایجاد، برنامه ریزی و یا اصلاح مدل های نظری تحصیلی و سیستم های تحصیلی. این کار به تحقیقات جدید این امکان را میدهد تا تحصیلات را بررسی کرده و آن را بر اساس اصول اقتصادی از نقطه نظر تعلیم تفسیر کند و به صورت همزمان فرمولاسیون راه حل های اجرایی برای مشکلات مختلف تحصیلی را که در جامعه ظهور پیدا کرده است را انجام دهد. علاوه بر این، این پیشنهادها میتواند به ابزاری مفید تبدیل شود که به سازمان های سیاسی این امکان را میدهد تا در مورد اصلاح و بهبود تشکیلات عمومی سیستم های تحصیلی تصمیم گیری کنند و ازین رو، بتوانند استاندارد های زندگی افراد و توسعه ی جامعه را بهبود بخشیده و ازین رو رفاه را بیشتر کنند.

ازین رو این مقاله به بررسی این موضوع میپردازد که اقتصاد تحصیلی هرگز یک علم موثر اجتماعی نخواهد بود مگر این که معرفت شناسی آن، ریشه در ابعاد تعلیم برنامه ریزی های تحصیلی داشته باشد. برای نشان دادن این نکته، سطوح بالا از بیکاری جوانان را میتوان در نظر گرفت. از مطالعه های مختلف اقتصادی در مورد این پدیده، مشخص شده است که یکی از دلایل اصلی، بحران اقتصاد جهانی است، اما سیستم های نا کارآمد تحصیلی در نسل جدید نیز تاثیر مهمی دارد. همچنین با در نظر داشتن ایتالیا به عنوان یک نمونه، نشان داده شده است که سیستم های تحصیلی

واقعی، به خصوص تحصیلات تکمیلی، نمیتواند انتقال به بازار کار را به خوبی تسهیل کند و به همین دلیل کارایی خوبی ندارد. شناسایی راه حل هایی برای این مشکل، میتواند اقتصاد تحصیل را از نظر تعلیم و تربیت، رفع کند. به صورت خاص کاری که باید انجام دهد، مجدد با اشاره به موضوع ایتالیا، این است که باید سیستم های تحقیقاتی و گرایش های حرفه ای و طرح های قرار گذاری کار با این اهدافی فراتر از نزدیک کردن افراد جوان به تمرین و یا افراد بالغ به شایستگی از نظر نیاز های بازار کار، شکل بگیرد. چیزی که در این زمینه باید انجام شود، بیشینه کردن پتانسیل سرمایه های انسانی به صورت عمومی تر است، نه عبارت های فوق تخصصی که حد اقل در این زمینه، تمرکز کمتری بر روی بهره ی اقتصادی دارد. ازین رو افراد جوان باید بتوانند خلا بین تحصیلات و اشتغال را از طریق برنامه های تحصیلی رسمی در مدرسه و دانشگاه و از طریق تحصیلات غیر رسمی مانند تجربه های کاری، رفع کنند.

ابزار فعلی برای تمرین در محل کار در وهله ی اول دوره های کارورزی میباشد، اما همچنین تمرین های دوره ای متداول و قرار گیری کاری در صنایع نیز میتواند مفید باشد. حتی در صورتی که آن ها از طریق مقررات مناسب که بتواند نقش خودشان را ایفا کنند فراهم شوند، به بهترین و موثر ترین نحو اجرا خواهند شد. این مشکل به این دلیل است که این برنامه ها از نظر نیاز های شرکت ها برنامه ریزی نشده اند. در واقع، مورد دم تنها برنامه هایی را مفید در نظر میگیرد که بتوانند سرمایه گذاری پتانسیل در سرمایه های انسانی در منابع انسانی ایجاد کنند. در صورتی که این پتانسیل را نداشته باشند، این برنامه ها تنها یک هزینه برای شرکت هستند که توانایی پرداخت آن ها وجود ندارد بنابراین حتی در صورتی که هدف این کار ایجاد گفتمانی پیچیده تر باشد، استفاده از کارورزی و قرار گیری در محل کار به عنوان ابزاری برای گرایش و تمرین میتواند فرصتی را برای افراد جوان وارد کند تا وارد محیط کار شده و خودشان را تست کرده و انتخاب های حرفه ای خودشان را بررسی کرده و تجربه به دست بیاورند. در همین زمان، به کارفرما ها این امکان را میدهد تا در سرمایه های انسانی خودشان سرمایه گذاری کرده و افرادی که مطابق با نیاز هایشان مفید هستند را جذب کنند. این طرح ها باید به خوبی برنامه ریزی شده، نظارت شده و با استفاده از افراد حرفه ای در تحصیلات ارزیابی شود و توسط مدرس ها در شرکت هایی که میتوانند نقش های مفیدی را ایفا کنند، مدیریت شود. در این زمینه، این فعالیت دیگر حالت یک وظیفه ی اجباری قانونی را نخواهد داشت.

۴. جمع بندی

هدف زمینه‌ی مطالعاتی اقتصاد تحصیلی، باید بتواند دانشی را تکمیل کند که سوالات متعدد اجتماعی و تحصیلی موجود در جامعه را رفع کرده و در عین حال بتواند به بررسی همبستگی بین اقتصاد و تعلیم، بپردازد. برای رسیدن به این هدف، باید در سطح بین‌المللی، رابطه‌ی که در حال حاضر وجود دارد، باید ارزیابی و تحلیل شده، و دیدگاه‌هایی از نظر موضوعات اقتصادی و تحصیلی ایجاد گردد. در واقع، در این قسمت باید معرفت شناختی که زیر لایه‌ی این حوزه فکری می‌باشد، داده‌های مرتبط با فواید گسترده‌تر تحصیلات را در نظر گرفته و بتواند مدل‌های برنامه‌ریزی برای سیستم‌های تحصیلی را فرموله کرده و در مورد آن‌ها آگاهی ایجاد کند.

برای این که این موضوع به عنوان یکی از حوزه‌های یکپارچه‌ی تحقیقات در نظر گرفته شود، اقتصاد تحصیل باید اشاره به نقش تعلیمی محققان مفید اشاره داشته باشد که بتوانند راه‌حل‌های موثر برای مشکلات و انتقادات ایجاد شده از ارزیابی‌های اقتصادی، ایجاد کنند. در واقع، در نقشی که تعلیم و تربیت می‌تواند داشته باشد، بخشی که توسط برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و توسعه‌ی ابعاد مختلف فردی (اقتصادی، مالی و اجتماعی و انسانی) ایفا می‌شود را باید شناسایی کرد. بدون این راه‌حل‌های شکل گرفته در نهایت، نمی‌تواند به ما امکان ساختار یک جامعه‌ی دموکراتیک که در آن رفاه و احترام متقابل، همبستگی، تحمل، انسجام اجتماعی، ادغام و تعامل اجتماعی وجود داشته باشد را بدهد. این کیفیت‌ها خود به خودی ایجاد نمی‌شود بلکه نتیجه‌ی فعالیت‌های مشخص و تحصیلات می‌باشد، همچنین رشد اقتصادی نیز به صورت خود به خودی انجام نمی‌شود. چیزی که در این قسمت کم است، یک اتحاد قوی بین ظهور مشکلات در اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی و فرمولاسیون راه‌حل‌های احتمالی می‌باشد.

اقتصاد تحصیلات ازین رو باید به روشی تکمیل‌تر تعریف شود. مطالعه‌ی فواید فردی و هزینه‌های اجتماعی تمرین به علاوه‌ی ابعاد انسانی که بین سازمان‌های تحصیل در اقتصاد جهانی و اجتماعی به محققان این امکان را می‌دهد تا راه‌حل‌های تحصیلی را ارائه کنند که موثر بوده و از نظر اجتماعی قابل اجرا باشد.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی